پیام

معاون اول رئیس جمهور درگذشت حسن حبیبی را تسلیت گفت

معاون اول رئیس جمهور در پیامی، درگذشت حسن حبیبی، پیشکسوت نامدار و چهره ماندگار فوتبال ایران را تسلیت گفت و برای آن مرحوم رحمت و مغفرت الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسألت کرد.

در متن پیام تسلیت عارف آمده است: «درگذشت پیشکسوت نامدار و چهره ماندگار فوتبال ایران، زنده‌یاد حسن حبیبی، موجب تأثر و تأسف فراوان شد.

آن مرحوم از چهره‌های باسابقه و ارزشمند ورزش کشور بود که سالیان متمادی از عمر خود را در راه اعتلای فوتبال ایران و خدمت به ورزش این سرزمین سپری کرد و نام و یادش در تاریخ فوتبال کشور ماندگار خواهد بود.

اینجانب این ضایعه را به خانواده محترم آن فقید سعید، جامعه ورزش کشور، بویژه خانواده بزرگ فوتبال ایران و دوستداران ایشان تسلیت عرض می‌کنم و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم، رحمت و مغفرت الهی و علو درجات و برای بازماندگان، صبر و شکیبایی مسألت دارم.»

یادداشت

میراث ماندگار یک استاد



حشمت‌الله مهاجرانی
سرمربی پیشین تیم ملی فوتبال

حسن حبیبی، رفیق دیرینه‌ام، خبر رفتنت را که شنیدم، قلبم به درد آمد. باور فقدان مردی که سال‌های طولانی از زندگی‌ام را با او سهیم بودم، آسان نیست. از روزهای جوانی و خاطرات ورزشگاه گرفته تا سال‌های پرفرازونشیب زندگی، همیشه حضورت را در کنار خود احساس می‌کردم. تو برای من تنها یک دوست قدیمی نبودی؛ رفیقی واقعی بودی که معنای رفاقت را با رفتار و منش خود به تصویر می‌کشیدی. حسن جان، تو از آن آدم‌هایی بودی که ارزش وجودشان فراتر از عناوین و جایگاه‌های اجتماعی و ورزشی است. مردی با فضیلت‌های اخلاقی، قلبی بزرگ، روحی پاک و شخصیتی سرشار از صداقت و نجابت. مهربانی‌ات، وفاداری‌ات و صمیمیتی که در رابطه با دوستانت داشتی، از تو چهره‌ای ماندگار ساخته بود. در روزگاری که یافتن رفاقت‌های بی‌ریا دشوار شده، تو همواره نمونه‌ای از دوستی صادقانه و بی‌تکلف بودی. خاطرات مشترکمان در ورزشگاه، خنده‌ها، گفت‌وگوها و لحظه‌هایی که در کنار هم گذراندیم، اکنون به یادگارهایی ارزشمند تبدیل شده‌اند؛ گنجینه‌هایی که گذر زمان هرگز غبار فراموشی بر آنها نخواهد نشاند. شاید دیگر فرصتی برای دیدار و گفت‌وگو نداشته باشیم، اما یاد و خاطره‌ات همچنان در گوشه‌گوشه زندگی‌ام جاری خواهد بود. حسن عزیز، رفتنت برایم سنگین و جانکاه است. جای خالی‌ات را هیچ‌کس پر نخواهد کرد. دلم برایت تنگ می‌شود، رفیق همیشگی‌ام. روحت شاد و نام و یادت تا همیشه در قلبم زنده باد.
خداحافظ رفیق؛ رفاقت ما با رفتنت پایان نمی‌یابد.

نمونه تمام عیار نظم و انضباط



محمد خاکپور
بازیکن پیشین تیم ملی فوتبال

حسن آقای حبیبی نه‌تنها در فوتبال، بلکه در عرصه تربیت، پرورش و نهادینه کردن نظم و انضباط نیز چهره‌ای کم‌نظیر و اسطوره‌ای بود. من افتخار شاگردی او را در تیم ارتش داشتم و در آن دوران درس‌های ارزشمندی آموختم؛ درس‌هایی که فراتر از فوتبال، در زندگی نیز به کارم آمد.
اخلاق، سرلوحه تمام رفتارهای او بود و خودش پیش از هر چیز، نمونه‌ای تمام‌عیار از نظم، انضباط و پایبندی به اصول به شمار می‌رفت. او به معنای واقعی کلمه یک الگو بود. یکی از ویژگی‌های برجسته حسن‌آقا، اعتماد و اعتقاد راسخ به بازیکنان جوان بود. او حتی با وجود محدودیت‌هایی که در تیم آرارات داشت، توانست نسل ارزشمندی از فوتبالیست‌ها را پرورش دهد. در تیم پاس نیز به جوان‌ها میدان می‌داد؛ بازیکنانی که بعدها به چهره‌های شناخته شده و تأثیرگذار فوتبال ایران تبدیل شدند.
حسن حبیبی سرمایه‌ای بزرگ برای ورزش ایران بود؛ انسانی شریف که می‌توانست الگویی ماندگار برای مربیان فوتبال و سایر رشته‌های ورزشی باشد. او در عین جدیت و سختگیری، مهربانی بی‌دریغی به بازیکنانش داشت. رابطه‌اش با شاگردان، بیش از آنکه صرفاً رابطه مربی و بازیکن باشد، رنگ و بوی رابطه پدر و فرزندی داشت، او نقش پدری را ایفا می‌کرد که تمام فرزندانش را با احترام دوست می‌داشت. معتقد بود همان‌طور که یک پدر برای تربیت فرزندش گاهی محبت می‌کند و گاهی سخت می‌گیرد، مربی هم باید با ترکیبی از مهر و انضباط، بازیکنانش را برای آینده‌ای بهتر پرورش دهد. این نگاه پدرانه، یکی از ماندگارترین ویژگی‌های شخصیت و مربیگری او بود.

اسطوره مهربانی



بیژن ذوالفقارنسب
مربی پیشین تیم ملی فوتبال

حسن آقای حبیبی، با وجود جدیت و انضباطی که در فوتبال داشت، شخصیتی فوق‌العاده مهربان، خوش‌اخلاق و قابل احترام بود؛ اسطوره‌ای که محبوبیتش را نه‌فقط از توانایی‌های فنی، بلکه از منش انسانی‌اش به دست آورده بود. همه دوستش داشتند، چراکه در کنار جایگاه برجسته‌اش در فوتبال، همواره فروتن بود و با هم‌تیمی‌هایش رفتاری صمیمانه داشت. شخصیت منطقی و تأثیرگذار او به دوران بازیگری محدود نمی‌شد. زمانی هم که مربی شد، با شاگردانش رفتاری مثال‌زدنی داشت. کار کردن با حبیبی به معنای گذراندن یک دوره آموزشی و علمی در فوتبال بود. من سه سال در تیم ملی و ارتش‌های جهان شاگرد او بودم و بخش بزرگی از آموخته‌ها و پیشرفتم در فوتبال را مدیون او هستم. همان روزها به یکی از ارادتمندانش تبدیل شدم. او همیشه به من قوت‌قلب می‌داد و اعتمادبه‌نفسم را تقویت می‌کرد.
حبیبی در دوران بازیگری به‌ندرت اشتباه می‌کرد و در تمام سال‌های فعالیت ورزشی‌اش نیز با دقت، منطق و احترام رفتار می‌کرد. بازیکنان شهرستانی بسیاری با حضور در تیم پاس و کار زیر نظر او فرصت درخشش و رسیدن به تیم جوانان را پیدا کردند. همین توجه به استعدادها و احترام به بازیکنان، محبوبیتش را دوچندان کرد. حسن حبیبی و خوبی‌هایش هرگز فراموش نخواهند شد.

به بهانه درگذشت حسن حبیبی بازیکن و مربی تاریخ‌ساز فوتبال ایران

خداحافظ کاشف اسطوره‌ها

سینا حسینی / گاهی یک فرصت، مسیر زندگی یک بازیکن را تغییر می‌دهد؛ فرصتی که شاید از نگاه دیگران چندان مهم نباشد، اما برای یک جوان مستعد، آغاز یک زندگی حرفه‌ای باشد. حسن حبیبی از معدود مربیانی بود که چنین فرصت‌هایی را از بازیکنان دریغ نمی‌کرد. او استعدادها را زودتر از دیگران می‌دید، به جوان‌ها اعتماد می‌کرد و برای ساختنشان وقت می‌گذاشت. شاید به همین دلیل است که نامش در خاطرات شاگردانش، فقط با فوتبال گره نخورده است.
حبیبی را باید در میان مربیانی قرار داد که سهم مهمی در شکل‌گیری فوتبال نوین ایران داشتند. او به جای تکیه بر بازیکنان شناخته‌شده، به دنبال کشف استعدادهای تازه بود. بسیاری از بازیکنانی که بعدها به ستاره‌ها و نوابغ فوتبال ایران تبدیل شدند، از مسیری عبور کردند که حبیبی در آن نقش داشت. بازیکن‌سازی برای او یک انتخاب مقطعی نبود؛ بخش جدایی‌ناپذیر نگاهش به مربیگری بود. او به آینده فکر می‌کرد، حتی زمانی که دیگران تنها نتیجه مسابقه پیش رو را می‌دیدند.
اما در روایت شاگردانش، نام حبیبی با یک ویژگی دیگر هم همراه است: «پدری دلسوز». رابطه او با بازیکنان به تمرین و مسابقه ختم نمی‌شد. بسیاری از شاگردانش از مردی حرف می‌زنند که نسبت به آنها احساس مسئولیت داشت و پیوندی فراتر از رابطه حرفه‌ای میان مربی و بازیکن برقرار می‌کرد. برای همین، وقتی از حبیبی یاد می‌کنند، فقط از تاکتیک‌ها و تمرین‌هایش نمی‌گویند؛ از محبتی حرف می‌زنند که در سال‌های همکاری تجربه کرده‌اند.
این وجه از شخصیت او را باید در کنار منش اخلاقی‌اش دید. حسن حبیبی چه در دوران بازی و چه در سال‌های مربیگری، اصولی داشت که حاضر نبود برای رسیدن به نتیجه زیر پا بگذارد. در فوتبال پرتنش ایران، حفظ چنین معیاری ساده نبود؛ اما او اعتبار حرفه‌ای خود را با رفتار و پایبندی به اخلاق حفظ کرد. احترام شاگردانش نیز بیش از آنکه حاصل عنوان و جایگاهش باشد، از همین منش می‌آمد.
امروز فوتبال ایران یکی دیگر از چهره‌هایی را از دست داده که هم در ساختن بازیکنان سهم داشت و هم در شکل‌گیری نگاه حرفه‌ای به مربیگری. فقدان زنده‌یاد حسن حبیبی، بویژه در شرایطی که پرورش استعدادهای جوان همچنان از مسائل مهم فوتبال کشور است، یادآور ارزش نسلی از مربیان است که به جای مصرف کردن بازیکنان، برای رشد آنها سرمایه‌گذاری می‌کردند.
شاید هریک از شاگردانش امروز خاطره‌ای جداگانه از او داشته باشند؛ یکی اولین فرصتی را به یاد بیاورد که در تیم به دست آورد، دیگری اعتمادی را که در روزهای تردید دریافت کرد و بازیکنی دیگر، رابطه‌ای را که از زمین فوتبال فراتر رفت. همین خاطرات است که نشان می‌دهد حبیبی در زندگی فوتبالی شاگردانش چه جایگاهی داشت.
استاد بازیکن‌ساز فوتبال ایران رفت، اما نامش فقط در فهرست مربیان تاریخ فوتبال ایران باقی نمی‌ماند. بازیکنانی که پرورش داد و شاگردانی که هنوز با احترام از او یاد می‌کنند، گویاترین بخش کارنامه حسن حبیبی هستند. مردی که برای فوتبال ایران بازیکن ساخت و برای بازیکنانش، پدر بود.

حسین فرکی، مربی پیشین تیم ملی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

حبیبی به ما فوتبال و انسانیت آموخت

پریسا غفاری/ در روزهایی که جامعه فوتبال ایران در سوگ از دست دادن حمید علیدوستی نشسته، خبر درگذشت حسن حبیبی، پیشکسوت پرافتخار فوتبال ایران و یکی از چهره‌های اثرگذار تاریخ این رشته، اندوه اهالی فوتبال را دوچندان کرده است؛ مردی که سال‌ها در مستطیل سبز به‌عنوان بازیکن و مربی نقش‌آفرینی کرد و نسل‌های مختلفی از فوتبالیست‌های ایرانی را پرورش داد. حسین فرکی، بازیکن پیشین پاس تهران و شاگرد سال‌های دور حسن حبیبی، در گفت‌وگو با «ایران» از روزهای پایانی زندگی استادش، خاطرات سال‌های حضور در پاس و تیم ملی و همچنین ویژگی‌های شخصیتی او گفت.

خبر درگذشت حسن حبیبی برای جامعه فوتبال ایران تلخ بود. شما که سال‌ها شاگرد ایشان بودید، از روزهای پایانی زندگی استاد بگویید.

آقا حسن مدتی بود که با مشکلات جسمانی دست‌وپنجه نرم می‌کردند. نارسایی قلبی داشتند و ریه‌هایشان هم بسیار اذیتشان می‌کرد. در روزهای پایانی عمرشان به آلزایمر نیز مبتلا شده بودند. حدود یک هفته در بیمارستان شریعتی بستری بودند، اما تصمیم گرفتیم تا زمان مشخص شدن وضعیتشان اطلاع‌رسانی نکنیم. سرانجام دوشنبه‌شب قلبشان برای همیشه از تپش ایستاد. برای من اتفاق بسیار تلخی بود. احساس کردم برای دومین بار پدرم را از دست داده‌ام.

شما از سال ۱۳۵۳ شاگرد حسن حبیبی بودید. چه خاطراتی از آن سال‌ها و حضور در باشگاه پاس دارید؟

از سال ۱۳۵۳ افتخار شاگردی ایشان را در باشگاه پاس داشتم. پاس آن روزها فقط یک باشگاه فوتبال نبود، بلکه مکتبی برای تربیت بازیکن و انسان بود. آقا حسن استاد بسیاری از فوتبالیست‌های دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بودند و برای فوتبال ایران زحمات زیادی کشیدند. اختلاف سنی ۱۶ ساله‌ای میان ما وجود داشت، اما رابطه‌مان همیشه فراتر از مربی و بازیکن بود.

این ارتباط پس از پایان دوران بازیگری هم ادامه داشت؟

بله، ارتباط بازیکنان و مربیان قدیمی پاس همچنان برقرار است. هر ماه دورهمی داشتیم و آقا حسن هم به‌عنوان استاد و بزرگ جمع، مانند پدری همه ما را کنار هم جمع می‌کردند. گاهی تعداد حاضران به ۶۰ تا ۷۰ نفر می‌رسید. البته تعدادی از دوستان و بزرگانمان مانند استاد محمد رنجبر، محمود یاوری و فرامرز ظلی را نیز از دست داده‌ایم. این جمع‌ها فرصتی بود تا خاطرات گذشته را زنده نگه داریم و کنار استادمان باشیم.



حسن حبیبی چه ویژگی‌هایی داشت که تا این اندازه مورد احترام اهالی فوتبال و حتی مدیران کشور بود؟

ایشان شخصیت بسیار بزرگی داشتند. سران مملکت، مربیان و بازیکنان همواره برای شخصیت و منش ایشان احترام قائل بودند. در تمرینات نظم و انضباط نظامی حاکم بود و از بازیکنان انتظار جدیت زیادی داشتند، اما اخلاق و مرامشان برای شاگردان تعریف دیگری داشت. حبیبی فقط به ما فوتبال آموزش نمی‌داد؛ مسئولیت‌پذیری، احترام و درست زندگی کردن را هم یاد می‌داد.

پایان دوران بازیگری ملی ایشان هم خاطره‌ای متفاوت در تاریخ فوتبال ایران است.

به خاطر دارم که ۱۸ بهمن ۱۳۴۹ همزمان با سالروز تولدشان، در ورزشگاه امجدیه و در دیداری با حضور سر استنلی ماتیوس، اسطوره فوتبال انگلیس، از فوتبال ملی خداحافظی کردند. چه پایانی باشکوه‌تر از این می‌توان برای بازیکنی تصور کرد که سال‌ها در قلب خط دفاعی تیم ملی ایستاده بود؟

حبیبی در عرصه مربیگری هم نقش مهمی در تاریخ فوتبال ایران داشت.

ایشان در پاس تهران تیمی ساختند که در دوران جام تخت جمشید دو بار به قهرمانی رسید. پس از انقلاب نیز به‌عنوان اولین سرمربی تیم ملی فوتبال ایران انتخاب شدند و تیم را به مسابقات فوتبال المپیک ۱۹۸۰ مسکو رساندند.

در روزهای اخیر، فوتبال ایران حمید علیدوستی را هم از دست داده است. این اتفاق چه تأثیری روی شما گذاشت؟

حمید تکرارنشدنی بود. خوشحالم که اهالی فوتبال همگی درباره جایگاه و حق او هم‌نظر بودند و به شخصیت و توانایی‌هایش ادای احترام کردند. حمید علاوه بر فوتبال، به بسیاری از ما درس انسان زیستن داد. او سبک زندگی خاص خودش را داشت و از نظر اخلاقی برای من از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. خبر درگذشتش شوک بسیار سنگینی بود و هنوز هم نمی‌توانم آن را باور کنم. به نظرم حمید انسان نبود، فرشته بود.

اگر بخواهید در یک جمله از حسن حبیبی و حمید علیدوستی یاد کنید، چه می‌گویید؟

هر دو از سرمایه‌های ارزشمند فوتبال ایران بودند؛ انسان‌هایی که اثرشان فقط به زمین فوتبال محدود نمی‌شود. آقا حسن برای من یک استاد و پدر بود و حمید علیدوستی، دوستی فراموش‌نشدنی.

اخلاق و مرامشان برای شاگردان تعریف دیگری داشت. حبیبی فقط به ما فوتبال آموزش نمی‌داد؛ مسئولیت‌پذیری، احترام و درست زندگی کردن را هم یاد می‌داد



استاد نسل‌ساز



همایون شاهرخی
سرمربی پیشین تیم ملی فوتبال

حسن حبیبی کسی بود که فوتبال و اخلاق ورزشی را به من آموخت. فوتبال را از کودکی در محله‌های خودمان آغاز کردم و بعدها با حضور در چهارصد دستگاه و همراهی برادران حبیبی، این مسیر را ادامه دادم، مسیری که نه‌تنها دانش فوتبالی‌ام را افزایش داد، بلکه درس‌های بزرگی از اخلاق، منش و رفتار حرفه‌ای به من آموخت؛ درس‌هایی که بخش مهمی از آنها را مدیون حسن‌آقا هستم. امروز افتخار می‌کنم که ۶۰ سال در کنار این مرد بزرگ شاگردی کرده‌ام.
حسن حبیبی به واسطه پیشینه نظامی خود، انضباط و دیسیپلین ویژه‌ای داشت. تمریناتش چه در باشگاه پاس و چه در تیم ملی، همواره با نظم و برنامه‌ریزی دقیق برگزار می‌شد. او حق بزرگی بر گردن من دارد و همیشه از او به‌عنوان برادر بزرگ‌ترم یاد کرده‌ام. در واقع، استاد حبیبی مربیان بزرگی همچون حشمت‌الله مهاجرانی، مهدی مناجاتی، زنده‌یاد محمود یاوری، اصغر شرفی، زنده‌یاد محمد رنجبر و حتی خود من را به جامعه فوتبال معرفی کرد. جالب اینکه بسیاری از ما افسر پلیس بودیم و در باشگاه پاس آموزش دیدیم؛ باشگاهی که متأسفانه به همدان منتقل شد. حبیبی در پرورش و معرفی نسل‌های مختلف فوتبال ایران نیز نقش داشت؛ از ناصر حجازی و علی پروین تا حمید علیدوستی، خداداد عزیزی، کریم باقری، یحیی گل‌محمدی و مهرداد میناوند. با این همه، معتقدم آن‌طور که شایسته جایگاه و خدماتش بود، از او قدردانی نشد.
او بازیکنی جنگجو، شجاع و کاپیتانی محبوب بود که در کنار حشمت مهاجرانی و محمد رنجبر، در خط دفاع تیم ملی حضوری اثرگذار داشت و در فتح اولین جام قهرمانی ایران در جام ملت‌های آسیا سهیم بود. محبوبیتش به‌اندازه‌ای بود که تماشاگران برای دیدنش به ورزشگاه می‌آمدند و پس از بازی، او را تشویق می‌کردند.
حسن‌آقا برای ما فقط یک مربی نبود؛ برادر بزرگ‌تری بود که درس زندگی می‌داد. من نیز در سال‌هایی که افتخار همکاری با او را داشتم، تجربه‌های گرانبهایی اندوختم. بعضی‌ها با پایان دوران فوتبالشان از میدان کنار می‌روند، اما نامشان از تاریخ بیرون نمی‌رود. حسن حبیبی بی‌تردید یکی از همان نام‌های ماندگار است.

میراث‌دار اصالت فوتبال



رسول کربکندی
دروازه‌بان پیشین تیم ملی فوتبال

حسن حبیبی از چهره‌های برجسته تاریخ فوتبال ایران بود که در پست دفاع وسط بازی می‌کرد و در دوران حضورش در مستطیل سبز، یکی از بهترین مدافعان فوتبال کشور به شمار می‌رفت. او علاوه بر توانایی‌های فنی، سابقه کاپیتانی تیم ملی را نیز در کارنامه داشت.
با حضور ناصر نوآموز در رأس فدراسیون فوتبال، حسن حبیبی به‌عنوان اولین سرمربی تیم ملی پس از پیروزی انقلاب اسلامی انتخاب شد. در آن مقطع، من و محمود ابراهیم‌زاده از اصفهان نیز به اردوی تیم او دعوت شدیم. حبیبی اولین مربی‌ای بود که توانست تیم امید ایران را به بازی‌های المپیک برساند. به‌خوبی به یاد دارم که برای برگزاری اردو به بوشهر رفته بودیم، اما به‌دلیل شرایط خاص، ناچار شدیم این شهر را ترک کنیم و به شیراز برویم. سرانجام مجوز حضور در المپیک را گرفتیم، اما مخالفت شورای برون‌مرزی مانع از اعزام تیم به المپیک مسکو شد. امروز با درگذشت چهره‌هایی همچون حسن حبیبی و حمید علیدوستی، فوتبال ایران سرمایه‌های ارزشمندی را از دست داده است. متأسفانه تا زمانی که این بزرگان در میان ما بودند، آن‌گونه که شایسته جایگاه و خدمات‌شان بود، از آنان یاد نشد. مردانی که از نظر فنی و تجربه، الگویی برای نسل‌های بعدی بودند و جای خالی‌شان به‌سادگی پر نخواهد شد. روحشان شاد و یادشان گرامی باد.

معمار نظم و جوان‌گرایی



نادر فریادشیران
رئیس کانون پیشکسوتان فوتبال

حسن حبیبی از تأثیرگذارترین مربیان تاریخ فوتبال ایران بود؛ مردی جدی، منضبط و پایبند به اصول حرفه‌ای که دیسیپلین خاصی بر تیم‌هایش حاکم می‌کرد. او در کنار سختگیری‌هایش، برای بازیکنانی که می‌شناخت، مهربانی و محبت فراوانی داشت.
من افتخار شاگردی حسن‌آقا را در دو مقطع تجربه کردم؛ اول در سال ۱۳۵۸ که به عنوان یکی از سه دروازه‌بان تیم ملی برای انجام چند بازی تدارکاتی راهی روسیه شدم، بار دیگر در سال ۱۳۶۱ بود که او هدایت تیم ملی را در مسابقات مقدماتی المپیک ۱۹۸۰ مسکو در سنگاپور برعهده داشت. تیم ایران در آن رقابت‌ها قهرمان شد و سهمیه المپیک را به دست آورد، اما به دلیل تحریم بازی‌ها از حضور در این مسابقات بازماند. حبیبی مربی بازیکن‌سازی بود و نگاه ویژه‌ای به استعدادهای جوان داشت. پس از جام جهانی، بسیاری از بازیکنان باتجربه را کنار گذاشت و به جوان‌ها میدان داد. در آن تیم، نصرالله عبداللهی ۲۶ساله باتجربه‌ترین بازیکن بود و علی پروین بازوبند کاپیتانی را بر بازو داشت؛ درحالی‌که بیشتر نفرات، ازجمله زنده‌یاد حمید علیدوستی، جوان بودند. حسن حبیبی در شمار مربیان اخلاق‌مدار و باسواد فوتبال ایران قرار داشت؛ مربی‌ای که نظم و انضباط را اساس کار می‌دانست.

شکوه یک رئیس



نصرالله عبداللهی
بازیکن پیشین تیم ملی فوتبال

حسن حبیبی به معنای واقعی کلمه رئیس بود. شاید در آن دوران به زنده‌یاد محمد رنجبر لقب رئیس می‌دادند، اما به اعتقاد من این عنوان بیش از هر کسی برازنده حسن‌آقا حبیبی بود. انگار ریاست در خونش جریان داشت. من از همان سال‌هایی که در چهارصد دستگاه بازی می‌کرد، مسابقاتش را تماشا می‌کردم. او در کنار بازیکنانی مثل برادرانش و اصغر شرفی، تیم قدرتمندی ساخته بود و ما برای دیدن بازی‌هایشان به چهارصد دستگاه پیروزی می‌رفتیم. پس از انقلاب، حسن حبیبی هدایت تیم ملی را در جام ملت‌های آسیا در کویت برعهده گرفت و من هم افتخار شاگردی او را داشتم. با تیم ملی به مقام سوم رسیدیم و سپس در مسابقات مقدماتی المپیک مسکو در سنگاپور قهرمان شدیم و سهمیه المپیک را به دست آوردیم، اما به دلیل تحریم‌ها از حضور در این رقابت‌ها بازماندیم. حسن آقا با وجود سابقه نظامی و انضباط مثال‌زدنی‌اش، رابطه‌ای بسیار صمیمانه با بازیکنان داشت. او در پاس ابتدا مربی و کاپیتان بود و بعدها تمام تمرکزش را بر مربیگری گذاشت. مربی سازنده‌ای بود که بی‌هیاهو کار می‌کرد و استعدادهای بزرگی، بویژه از شهرستان‌ها، مانند محمد نصیری و حسین کازرانی را به فوتبال ایران معرفی کرد. نام چنین مردانی هیچ‌وقت از حافظه فوتبال پاک نمی‌شود.

ژنرال مهربان نیمکت‌ها



مهدی پاشازاده
مدافع پیشین تیم ملی فوتبال

حسن آقای حبیبی از مربیان بزرگ و تراز اول فوتبال ایران بود؛ مردی که نظم و انضباط، ستون اصلی تفکرات فنی‌اش را تشکیل می‌داد. من در تیم امید شاگرد او بودم و برایم جذابیت ویژه‌ای داشت که در پست تخصصی خودم، یعنی دفاع، با مربی‌ای کار می‌کردم که خودش سال‌ها در همین جایگاه بازی کرده بود.
حسن آقا در کارش بسیار سختگیر بود و دیسیپلین خاص خودش را داشت، اما کار کردن با او دشوار نبود. مهربانی‌اش با بازیکنان، فضای اردوها را صمیمی می‌کرد و اجازه نمی‌داد سختگیری‌هایش محیطی شبیه پادگان بسازد. او مربی مقتدری بود، اما اخمو و عبوس نبود. جذبه‌اش به‌تنهایی برای ایجاد نظم و احترام در میان بازیکنان کفایت می‌کرد. یکی از ویژگی‌های برجسته حسن حبیبی، توجه ویژه‌اش به بازیکنان جوان بود. او اعتقاد داشت فوتبال برای پیشرفت به نیروی تازه نیاز دارد و باید به استعدادهای جوان میدان داد. البته من که در تیم امید کنارش بودم، کمتر متوجه این ویژگی می‌شدم، چون تمام بازیکنان تیم جوان بودند؛ اما شاگردانی که در تیم‌های باشگاهی با او کار کرده بودند، بهتر می‌توانستند روحیه بازیکن‌سازی‌اش را درک کنند. حسن آقا مربی‌ای بود که هم اقتدار داشت و هم قلبش برای رشد بازیکنان جوان می‌تپید.

پدر فوتبال ارامنه



ادموند اختر
بازیکن پیشین تیم فوتبال آرارات

حسن حبیبی برای فوتبال ارامنه فقط یک مربی بزرگ نبود؛ او پدری دلسوز و معلمی تأثیرگذار بود که نسل‌های مختلفی از بازیکنان را پرورش داد. من سال‌ها افتخار شاگردی ایشان را داشتم و از نزدیک شاهد تلاش، تعهد و نگاه ویژه‌اش به فوتبال بودم. بسیاری از ستاره‌های نسل طلایی فوتبال ایران، از جمله یحیی گل‌محمدی، کریم باقری و افشین پیروانی، زیر نظر این مربی رشد کردند و مسیر حرفه‌ای خود را شناختند. آنچه حسن حبیبی را از بسیاری از مربیان متمایز می‌کرد، شخصیت انسانی و منش بزرگوارانه‌اش بود. او برای همه، فارغ از سن و جایگاه، احترام قائل می‌شد و مجموعه‌ای از فضیلت‌های اخلاقی را در وجود خود داشت. در کنار این ویژگی‌ها، در تمرینات به‌شدت منظم و سختگیر بود. به خاطر دارم که جلسات تمرینی او دیسیپلینی شبیه به محیط نظامی داشت و کوچک‌ترین بی‌نظمی از نگاهش پنهان نمی‌ماند.
امیدوارم مربیان جوان فوتبال ایران، نظم، تعهد و اخلاق حرفه‌ای را از چنین استادانی بیاموزند و شاگردانش راه او را ادامه دهند.

معمار نسل‌ها



میرشاد ماجدی
بازیکن پیشین تیم ملی فوتبال

فوتبال ایران دو روز تلخ و فراموش‌نشدنی را پشت سر گذاشت؛ دو روزی که در آن، حمید علیدوستی و حسن آقای حبیبی، دو چهره ارزشمند و تأثیرگذار فوتبال کشورمان، چشم از جهان فروبستند. رفتن این بزرگان، تنها فقدان دو پیشکسوت نیست، بلکه از دست دادن بخشی از حافظه و هویت فوتبال ایران است.
حسن حبیبی از آن دسته مربیانی بود که فوتبال را فراتر از نتیجه و جام می‌دید. او عاشق بازیکن‌سازی بود و برای کشف استعدادهای جوان، پرورش آنها و سپردن آینده فوتبال به نسل تازه اهمیت ویژه‌ای قائل می‌شد. بسیاری از بازیکنان بزرگی که بعدها نامشان در فوتبال ایران ماندگار شد، از مکتب مربیگری او عبور کردند و آموختند که فوتبال تنها به توانایی فنی خلاصه نمی‌شود؛ اخلاق، انضباط و شخصیت نیز بخش جدایی‌ناپذیر این مسیر است. حبیبی مربی اخلاق‌مداری بود که با صبوری و تلاش، سال‌های زیادی به فوتبال ایران خدمت کرد. شاید امروز بیش از هر زمان دیگری جای خالی چنین مربیانی احساس شود؛ مردانی که دغدغه‌شان ساختن انسان و بازیکن بود، نه صرفاً کسب نتیجه. حیف که دیگر در میان ما نیست، اما میراث او در خاطره شاگردانش و تاریخ فوتبال ایران باقی خواهد ماند.